

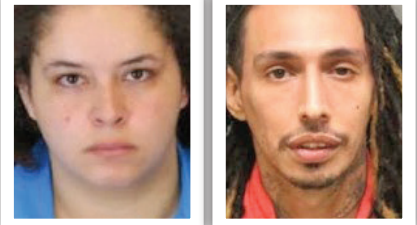


دستگیری کلاهبردار تلگرامی

کلاهبردار تلگرامی که با راه‌اندازی یک کانال در ازای ارائه سیگنال رمزارز دست به کلاهبرداری ۲۰ هزار دلاری از طعمه‌هایش زده بود، دستگیر شد. متهم در ازای ارائه سیگنال خرید و فروش رمزارز مبالغ هنگفتی از طعمه‌هایش دریافت می‌کرد اما سیگنال‌های اشتباه او باعث ضرر و زیان این افراد شده بود.

آن سوی مرز

زوج بی‌رحم پسر بیچه را تبدیل به سیبل کردند



زن و مرد آمریکایی که به اتهام قتل پسر۱ خردسال دستگیر شده بودند، از سوی دادگاهی در میشیگان به حبس ابد محکوم شدند.

به گزارش همشهری به نقل از ایندپندنت، ۳۰ ژوئیه (۹ مرداد) امسال، پلیس میشیگان در جریان مرگ مشکوک یک پسر بیچه در منطقه مدیسون هایتس قرار گرفت و راهی محل حادثه شد. آنجا یک کاروان متحرک بود که تبدیل به محل زندگی خانواده‌ای سه نفره شده بود. وقتی مأموران قدم به داخل کاروان گذاشتند پسر عساله را در حالی یافتند که بیهوش بود و با لباسش به دیوار منگنه شده بود. کمی بعد معلوم شد که او پس از اینکه به دیوار منگنه شده، هدف اصابت گلوله قرار گرفته است. این اما همه ماجرا نبود، روی بدن پسر بیچه آثار جراحات متعددی دیده می‌شد که نشان می‌داد شکنجه شده است. در چنین شرایطی پرسر بیچه به بیمارستان منتقل شد اما تلاش پزشکان برای نجات جانیش فایده‌ای نداشت و او یک روز بعد جان خود را از دست داد.

پزشکی قانونی اعلام کرد پسر بیچه به دلیل شکنجه‌های متعدد و گلوله‌ای که به ساق پایش شلیک شده بود، جان باخته است. او چولو جینیگز نام داشت و همراه مادرش الینا ۲۵ساله و ناپدری‌اش دانیل جان جیکینا، ۳۳ساله در این خانه متحرک زندگی می‌کردند. شواهد نشان می‌داد که مادر و ناپدری چولو او را شکنجه کرده بودند تا وی را مطیع خودشان کنند. به گفته همسایه‌ها این پسر برای مدت طولانی در خانه زندانی می‌شد و مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفت. در بازرسی خانه فیلم‌هایی از صحنه‌های آزار و شکنجه کودک خردسال پیدا شد. شواهد نشان می‌داد که مادر و ناپدری‌اش در زمانی که کودک را شکنجه می‌داد که پدر او قتل می‌گرفتند. همچنین آثار شلیک گلوله روی دیوار خانه پیدا شد که نشان می‌داد این زوج پسر عساله را مثل سیبل به دیوار منگنه کرده و به طرفش تیراندازی زوده بودند. بدین ترتیب الینا و دانیل به اتهام قتل و کودک آزاری دستگیر شدند و به گفته کارن مک دونالد، دادستان اوکلند، آنها پس از محاکمه با حبس ابد روبرو خواهند شد.

جنایی

درگیری مرگبار به خاطر بازی بچه‌ها



درگیری همسایه‌ها به خاطر سرس و صدای بچه‌ها پایان تلخی داشت و به جنایت ختم شد. به گزارش همشهری، چند روز قبل به قاضی محسن اختیاری، بازپرس جنایی تهران خبر رسید که جوان ۲۶ساله‌ای در درگیری به کام مرگ رفته است. به دستور بازپرس جنایی، تحقیقات در این باره آغاز و مشخص شد که پسر جوان، در درگیری ضرب‌های به سرش وارد شده است. ماجرا از این قرار بود که مقتول در ساختمان واقع در جنوب پایتخت زندگی می‌کرد، وی از سرس و صدای بچه‌هایی که در یکی از واحدهای ساختمان زندگی می‌کردند، عصبانی و کلافه بود، به طوری که بارها سراغ پسر بزرگ خانواده رفته و نسبت به صدای خواهر و برادر کوچکش اعتراض کرده بود، اما اعضای این خانواده اهمیتی به اعتراض پسر جوان نمی‌دادند تا اینکه شب حادثه پسر جوان در حال استراحت بود که بار دیگر سر و صدای بچه‌ها برایش مزاحمت ایجاد کرد. وی سراغ همسایه رفت و در زد، وقتی پسر ۲۰ساله خانواده را باز کرد، وی را دیگر به آنها تذکر داد و اعتراض کرد که چرا این وقت شب بچه‌ها سر و صدا می‌کنند و کسی به آنها تذکر نمی‌دهد تا آرام باشند. این اعتراض کافی بود تا درگیری میان ۲ جوان همسایه شکل بگیرد. جوان ۲۰ساله به معترض هجوم بردند. کار به کمک کاری کشیده شد و آن دو نفر بالیوان شکسته بر سر جوان معترض کوبیدند. این اتفاق موجب شد تا پسر جوان از حال برود. هر چند او به بیمارستان انتقال یافت و تحت درمان قرار گرفت، اما شدت ضربه به حدی بود که وی به‌رغم تلاش پزشکان جانش را از دست داد.

به‌دنبال این حادثه، بازپرس جنایی دستسور انتقال جسد به پزشکی قانونی و بازداشت عاملان این درگیری را صادر کرد. در این شرایط مأموران ۲ پسر جوان را بازداشت کردند و تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.



عملیات نجات در کوه خلیل

در جریان عملیات ۳ ساعته امدادرگان هلال احمر، مردی که در ارتفاعات کوه خلیل در ارومیه مصدوم و گرفتار شده بود، نجات یافت. خیر مصدومین امت مرد ساعت ۱۱:۴۴ یکشنبه‌شب به هلال احمر گزارش شد و تیمی از نجاتگران راهی محل حادثه شدند و پس از ۳ ساعت موفق شدند مرد مصدوم را پیدا کرده و نجات دهند.

۹۳انفر از اراذل و اوباش پایتخت در تازه‌ترین طرح پلیس دستگیر شدند

شاخ مجازی در میان اوباش پایتخت

برخی از این افراد پس از ارتکاب جرم و اطلاع از اینکه از سوی پلیس دستگیر خواهند شد، به استان‌های مجاور فرار کرده بودند که پلیس آنها را در مخفیگاه‌هایشان به دام انداخت.

سردار محمدیان در ادامه با بیان اینکه همراهداشتن سلاح سرد، حتی یک چاقو ممکن است در برخی مواقع موجب وقوع یک قتل و جنایت شود، گفت: قانون نگهداری و حمل سلاح نامتعارف چندین سال است که در مجلس تصویب شده و در کشور اجرا می‌شود؛ از این رو به حامیان این نوع از سلاح‌ها هشدار می‌دهیم که پلیس با اقدام مجرمانه آنان برخورد جدی خواهد کرد. سردار محمدیان ادامه داد: مغازه‌داران بدانند فروش سلاح‌های سرد غیرممتعارف جرم است و اگر به‌صورت تریبی هم بفروشند، مجازات آن براسای دفعه اول اخطار و سپس پلمب است.



افراد دستگیر شده است، گفت: برای دستگیری برخی از این افراد اقدامات پیچیده‌ای انجام شد. برخی از این اشرار در فضای مجازی هم فعالیت داشته‌اند و از آنان سلاح‌های سرد و گرم نیز کشف شده است. به گفته رئیس پلیس پایتخت

درگیری کرده و نظم عمومی را برهم زده بودند، دستگیر کردند. وی با بیان اینکه قدرت‌نمایی درگیری دسته‌جمعی، اخلال در نظم عمومی، حمل سلاح، تخریب اموال عمومی، مزاحمت برای مردم و زنان و... در جمله اقدامات مجرمانه

گفت و گو ۲

تیراندازی شاخ مجازی

در میان منتهائمی که به تازگی دستگیر شده‌اند، یک شاخ مجازی با بیش از یکمیلیون و ۴۰۰هزار دنبال‌کننده در اینستاگرام هم حضور دارد. می‌گوید در بیش از عقلم سینمایی بازی کرده اما حالا به اتهام تیراندازی و درگیری مسلحانه دستگیر شده است.

انگیزه‌ات از تیراندازی چه بود؟

به خاطر مرام و معرفت. در نظر از دوستانم به رستورانی در غرب تهران رفته بودند که با افرادی که حال طبیعی نداشتند درگیر شدند. من هم وقتی خبر را شنیدم برای دفاع از آنها وارد ماجرا شدم. آن شب اصلا حال خوب نبود و با اسلحه‌ای که همراه داشتم ۳ تیر هوایی شلیک کردم تا دیگران را بترسانم. همین.

همیشه اسلحه حمل می‌کنی؟

همیشه که نه، در مواقع خاص؛ مواقعی که باید از حق خودم و دیگران دفاع کنم. بیشتر برای ترساندن است.

اسلحه‌ها برای قدرت‌نمایی خریداری؟

نه، نخریده‌ام؛ برایم همیشه آورده‌اند. من آدم معروف هستم.

چطور شد که معروف شدی؟

یکی از مهمان‌ها مردی میانسال بود که حسابی حالش خوب بود و شادی می‌کردا گاهی هم حرف‌های عجیبی می‌زد. من به او خندیدم و لهجه‌اش را مسخره کردم. خوشش نیامد و همین موضوع موجب شد که مرد میانسال واقاوش سر و من بریزند و با چوب کتک برزند. من هم عصبانی شدم و چند نفرشان را زدم. سپس دایمی امداخله کرد که او هم زخمی شد، به مری که سرش را باندپیچی کرده، اشاره می‌کنند و می‌گویند: ببینید چه بلایایی بر سر دایمی آورده‌اند. شناس او ردم که زنده مانده‌است.

سابقه‌داری؟

سابقه که ندارم؛ اما هر وقت عصبانی می‌شوم، مردم را کتک می‌زنم. چندبار به خاطر درگیری رفته‌ام کلانتری؛ اما خیلی زود همه چیز ختم به‌خیر شده‌است.

مواد هم مصرف می‌کنی؟

نه اصلا. من آدم حسابی هستم. تاتر می‌خوانم و دلم می‌خواهد بازیگری شوم. من بدل برد بیت هستم، به‌لحاظ شباهت ظاهری‌ام با این بازیگر مشهور به من می‌گوشند. یعنی بیت. آرزو داشتم زندگی‌ام هم شبیه برد بیت شود، یعنی به سینمای ایران و بعد هالیوود راه پیدا کنم و برای خودی سوپرستار شوم. برای رسیدن به رویای بزرگم حتما تمام تلاشم را خواهم کرد؛ خدا را چه دیده‌اید، شاید به آرزویم رسیدم. مردم داست کم بگیرند، من بدل برد هستم!

گفت و گو ۳

درگیری عجیب مکانیک‌ها

درگیری عجیب مکانیک‌های امداد خودرو و به یک درگیری مسلحانه تبدیل شد. یکی از این افراد که از سوی پلیس دستگیر شده، از جزئیات درگیری می‌گوید.

چه شد که کارتان به تیراندازی کشید؟

باور کنید بسک موضوع ساده و پیش یافتاده بود که اینطور جنجال به پا کرد. الان که فکر می‌کنم می‌بینم اصلا ارزشش را نداشت. آن روز گزارش شد که یک خودروی تصادفی کنار خیابان است.

یعنی منوچهر فقط به خاطر نوشتن چنین دعوایی در مغازه شما را انداخت؟

باور کنید همین بود. مغازه متعلق به من است. ارائه‌هایی که استخدام شده‌اند به نوعی مکانیک امداد خودرو هستند؛ امداد خودروی خصوصی. آن روز منوچهر حتی با بچه‌های بازیگرش بر سر زنگ پیراهن آنها هم درگیر شد. اصلا آدم عصبانی‌ای بود. همه را مسخره و بسا آنها کل کل می‌کرد. در نهایت به یک دعوای بزرگ راه انداخت. او همیشه پول بیشتر برای بدک‌کنسی می‌گرفت و شرارت‌هایش در نهایت ما را هم به در دستر انداخت و باعث شد وارد دعوای بدی شویم. آن هم به خاطر اینکه سه‌روزه بود. جزئی.

پایان شیرین یک اتفاق تلخ برای گردشگر لبنانی



فرهنگی و ورزشی سپاهان شهرداری اصفهان در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: وقتی همکاری اینستگاه دوم نتوانستند صاحب‌کیف را پیدا کنند، کیف را به اینستگاه اول رساندند. داخل کیف ۴۵۰۰ دلار و مقدار قابل توجهی ارز عربی وجود داشت. از روی پول‌ها مشخص بود که صاحب‌کیف یک گردشگر عرب است. بساکت می‌گوید: بدین ترتیب، همکاری ما در اینستگاه اول هم جست‌وجوهایشان را آغاز کردند. آنها می‌دانستند که صاحب‌کیف یکی در شرایط دشواری است و برای همین همه تلاش‌شان را به کار گرفتند تا او را پیدا کنند. با این حال پس از چند ساعت هیچ اثر و نشانی از صاحب‌کیف به‌دست نیامد و آنها تصمیم گرفتند صبر کنند تا شاید صاحب‌کیف پیدایش شود.

«اگر پول‌هایم را پیدا نمی‌کردم، برنامه سفرمان به هم می‌خورد و در ایران سرگردان می‌شدم.» این نخستین جمله‌ای بود که توریست لبنانی بعد از پس گرفتن کیف پول گمشده‌اش به زبان آورد. کیف پول او زمانی گم شد که برای تفریح راهی تله‌کابین صفا در اصفهان شده بود، اما کارکنان پاکدست تله‌کابین کیف را پیدا کردند و آن را به صاحبش رساندند. به گزارش همشهری، عصر شنبه ۲۰ مرداد بود و ساعت کار تله‌کابین صفا اصفهان در مجتمع خدماتی و تفریحی سپاهان به پایان رسیده بود. طبق معمول، تیم نظارت مشغول بررسی‌های فنی و مراقبتی شدند که در اینستگاه دوم تله‌کابین، یک کیف مشککی را دیدند که روی صندوقی یکی از کابین‌ها افتاده بود. داخل آن کیف پول پر از دلار و پول‌های خارجی بود و معلوم بود که صاحب‌کیف، یکی از گردشگران خارجی است. کارکنان تله‌کابین بعد از پیدا کردن کیف، شروع به جست‌وجو در اطراف کردند، اما اثری از صاحب آن نبود و به همین دلیل با اینستگاه اول تماس گرفتند تا شاید آنها از صاحب‌کیف خبر داشته باشند. سعید بساکت، مدیر عامل شرکت توسعه مجتمع‌های سیاحتی،

بازگشت صاحب‌کیف
چند ساعتی از پیدا شدن کیف می‌گذشت که فردی نگران و هراسان به اینستگاه اول رسید. بساکت می‌گوید: او با دلهره و عجله صحبت می‌کرد، مشخص بود چیزی را از دست داده است. با کمک مترجم معلوم شد که وی صاحب همان کیف

صفحه‌آرا علیرضا شاپوری

داخلی

مرد فداکار بعد از آنکه زائران را از آتش سوزی نجات داد خودش دچار سوختگی شد

سوختن برای نجات ۱۵۰ زائر حسینی



مرد جوان وقتی فهمید هتل آتش گرفته و زائران در طبقه هفتم بین دود و آتش گرفتار شده‌اند برای نجات آنها به دل آتش زد. هر چند او توانست جان ۱۵۰ نفر را نجات دهد، اما خودش در میان تسلسله‌های آتش گرفتار و دچار سوختگی شدیدی شد.

به گزارش همشهری، با نزدیک شدن به ایام اربعین حسینی، گروه‌های مختلفی برای برپایی مویک و پذیرایی از زائران حسینی راهی کربلا می‌شوند. دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی نیز از چند روز قبل گروهی راهی کربلائی معلی کرده است تا به زائران خدمت‌رسانی کنند. روز شبیه اما حادثه تلخی رخ داد. ظهر آن روز هتلی که در مجاورت مویک این دانشگاه قرار داشت آتش سوزی شد. آتش سوزی در طبقه هفتم اتفاق افتاده بود و شواهد نشان می‌داد زائران زیادی در آنجا گرفتار شده‌اند. افراد زیادی جلوی هتل تجمع کرده و با نگرانی آنچه را که اتفاق افتاده دنبال می‌کردند. هنوز به درستی معلوم نبود که بعد از این حادثه چه بر سر زائرانی که در طبقه هفتم گرفتار شده‌اند آمده است. این در حالی بود که آتش سوزی موجب قطع برق و کار افتادن آسانسورها شده بود. در این شرایط بود که جلال اسندی، یکی از کارمندان دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی که برای آشیزی راهی عراق شده و آن زمان در مویک این دانشگاه حضور داشت همراه با عراقی برای نجات افراد گرفتار وارد هتلی شدند. آنها ۱ طبقه را با پله بالا رفتند و خود را به کانون آتش سوزی رساندند. در آنجا بود که متوجه شدند حدود ۵۰ نفر از زائران در طبقه هفتم گرفتار دود و آتش شده‌اند. در صورتی که آتش سوزی گسترش پیدا می‌کرد ممکن بود فاجعه رخ دهد. در این شرایط بود که کارمند فداکار و ۴ عراقی با به خطر انداختن جان خود زائران را یک به یک از منطقه خطر بیرون کشیدند و آنها را به طبقات پایین هدایت کردند. در بین این افراد زنان و کودکان نیز حضور داشتند که وحشت کرده بودند. عملیات نجات توسط این نفرین در شرایطی ادامه داشت که هنوز خبری از آتش نشانی نبود. با این حال آنها در نهایت موفق شدند همه ۱۵۰ زائر را از دل آتش بیرون بکشند. بعد از آنکه آخرین زائر از طبقه هفتم خارج شد و اسندی مطمئن شد هیچ کس دیگری در آنجا نمانده خودش نیز تصمیم گرفت از هتل خارج شود اما دچار سوختگی شدیدی شد. در این شرایط سرنانجام امدادران سر رسیدند و جوان فداکار را به مرکز درمانی منتقل کردند. اسدی دچار سوختگی ۷۰ درصدی شده بود و شرایط خوبی نداشت. به همین دلیل بعد از مداوای مقدماتی عصر دیروز (دوشنبه) به تهران منتقل شد تا تحت مداوای تخصصی قرار گیرد.

نجات نوزاد ۲ روزه راه دور



نوزاد ۲ روزه که هنگام شیر خوردن دچار خفگی شده و در یک قدمی مرگ قرار داشت، با راهنمایی تلفنی کارشناس اورژانس و هوشیاری پدرش نجات یافت.

به گزارش همشهری، این حادثه روز گذشته در سندنج اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که مردی در تماس با اورژانس ۱۱۵ سندنج گفت که پسر ۲ روزه‌اش هنگام شیر خوردن دچار حالت خفگی شده است. این مرد که به شدت نگران جان فرزندش بود از کارشناس اورژانس درخواست کمک کرد.

در آن سسوی خط هم‌زمان با ثبت این حادثه در سیستم اورژانس و اعزام آمبولانس به محل حادثه، کارشناس اورژانس تصمیم مهمی گرفت، چون تا رسیدن آمبولانس و تکنیسین‌ها به محل حادثه ممکن بود کار از کار گذشته و نوزاد جانش را از دست بدهد. به همین دلیل کارشناس اورژانس تصمیم گرفت به‌صورت تلفنی پدتر نوزاد را برای نجات جان فرزندش راهنمایی کند. انطور که پدر نوزاد می‌گفت او نفسش بند آمده و رنگش کیود شده بود. آنها چند مرتبه به پشت نوزاد ضربه زده بودند، اما راه تنفسی‌اش باز نشده بود و هر چه می‌گذشت چهره‌اش کبودتر و اوضاع وخیم‌تر می‌شد. در این شرایط کارشناس اورژانس از پدر نوزاد خواست گوشی موبایلش را روی پخش بگذارند و اقداماتی را که به‌صورت تلفنی گفته می‌شود، انجام دهد. طبق دستور کارشناس اورژانس پدر نوزاد مرحله به مرحله عملیات توریست لبنانی، کیف پول را به او پس دادند و صاحب‌کیف با شدن کیفم شدم همه جا را گشتم و دیگر امید چندانی به پیدا کردنش نداشتم و تله‌کابین آخرین امیدم بود.

تقدیر از تیم نظارتی اینستگاه دوم تله‌کابین

ساکت ادامه می‌دهد: پیدا شدن کیف و بازگشت به صاحبش چند ساعتی از پیدا شدن کیف می‌گذشت؛ اما با دلهره و عجله صحبت می‌کرد، مشخص بود چیزی را از دست داده است. با کمک مترجم معلوم شد که وی صاحب همان کیف

دیسپچر اورژانس کردستان این نوزاد را مرگ نجات یافت.